

ولی هیچ کدامشان نمی‌گویند که دقیقاً این «کار»، این «دل» و این «عشق و حال» چطور باید شکم ما را سیر کند، جیب ما را پر کند، به ما احساس مفید بودن بدهد، دین را از ما نگیرد و با اعتقاداتمان هم بازی نکند.

نصیحت‌ها زیادند، اما نقشه راه کم! این وسط، ما رشد جوانی‌ها ایستاده‌ایم، با کوله باری از شور و شوق و یک علامت سؤال بزرگ جلوی پایمان. ما می‌خواهیم دنیا را عوض کنیم، ولی نمی‌دانیم اولین قدم کدام است.

دقیقاً به همین دلیل، در این شماره تصمیم گرفتیم برویم سراغ موضوعی که شاید بتواند نقطه پایان این سردرگمی باشد: «کسب و کار».

کسب و کار فقط برای آدم‌های کت و شلوارپوش و میلیاردر نیست. کسب و کار یعنی اینکه قدرت و اختیار تعریف کردن آینده‌ات را خودت به دست بگیری. یعنی اگر الان ایده‌ای داری، مهارتی آموخته‌ای، یا از مشکلی حساسی شاکی هستی، به جای اینکه منتظر کسی بمانی، خودت دست به کار شوی. کسب و کار پلی است بین رؤیاهای بزرگی که توی سرت داری و واقعیت مالی و اجتماعی که می‌خواهی به آن برسی.

این شماره دوست دارد نقشه راهی باشد برای پیدا کردن پاسخ همان سؤال آزاردهنده «خب که چی؟»

رفیق جان، آینده تو قرار نیست در یک آزمون ورودی یا یک رشته دانشگاهی تعریف شود. آینده تو از امروز شروع می‌شود؛ از همین لحظه که تصمیم می‌گیری برای خودت و رؤیاهایت، کاری کنی. شاید لازم است «کسب و کاری» راه بیندازی!

پس نفسی عمیق بکش، امتحان‌ها را با تمرکز پشت سر بگذار، و بعد بیا با هم صفحه‌های این مجله را ورق بزنیم. شاید ستاره بخت تو دقیقاً همین جا، بین همین خط‌ها، منتظرت باشد.



الهام مقیسه
سر دبیر

نه به:

«نخستین قدم»

سلام رفیق جان. موقع امتحان‌هاست و حتماً فکر می‌کنی: «خب که چی؟»

من هم هر زمان بیشتر درس می‌خواندم، به این «خب که چی؟» بیشتر می‌رسیدم. کلی رویا بافته‌ای، کلی برای آینده‌ات برنامه‌ریزی کرده‌ای، و کلی با خودت کلنجار رفته‌ای که چه رشته‌ای بروی بهتر است:

- برای پول دار شدن؛
- برای دانشگاه رفتن؛
- برای ازدواج کردن؛
- برای...

آخرش هم نمی‌دانی می‌شود یا نمی‌شود. حتماً شنیده‌ای که می‌گویند:

- برو پی کارت
- برو پی دلت
- برو پی عشق و حالت
- برو...

